

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

مثنوی شمشیر گر = نوربخش

۱ - دو جلد کتاب بقطع بزرگ وزیر بنام مثنوی نوربخش دهکردی چاپ سنگی شد ، شش جلد کتاب بنام مثنوی شمشیر گر سیاف در طهران چاپ سربی گردید ، هر يك از این دو مثنوی کپی یکدیگرند !!! .

۲ - مثنوی سیاف از حاج علی اصغر شمشیر گر شیرازی مشهور به حسین علیشاه ثانی «نعمة اللہی بنام گنج اسرار و جنات وصال است .

۳ - شمشیر گر در هزار و دویست و شصت و دو هجری قمری وفات یافت و در شیراز مابین حافظیه و چهل تمان دفن گردید ، مزارش معروف است .

۴ - نسخه اصلی مثنوی بخط حاج میرزا علی اصغر شمشیر گر بود که آنرا از خانه حاج محترم السلطنة اسفندیاری ربودند .

۵ - حاج ذوالریاستین شیرازی متخلص به مونس از روی دو نسخه مثنوی شمشیر - گر که بخط حاج میرزا شکر الله مکتب دار بود در نزد خودشان بود نسخه ای با آقای پدرام نتیجه شمشیر گر صاحب مثنوی سپردند تا در چاپ آن اقدام کند .

۶ - آقای پدرام ناشر کتاب مثنوی سیاف در آغاز و انجام چاپ کتاب جد بزرگوار خود چنین نوشته است « همیشه با کمک و معاضدت ذوالریاستین در جستجوی کتاب سرقت شده بودم تا معلوم شد از نسخه های خطی حاج میرزا شکر الله يك نسخه شش جلدی هم بدست آقا میرزا سید محمد دهکردی « نوربخش » رسید ، سفارش چاپ آن را بفرزندان خود فرمود آقا میرزا رحیم حقانی بتصور اینکه کتاب مزبور از مصنفات خود آقا سید محمد دهکردی است آن شش جلد را بنام او بچاپ رسانید .

۶ - ذوالریاستین شیرازی از دیدار چاپ مثنوی شمشیر گر که بنام مثنوی نور بخش چاپ شد بی اندازه غمگین شد، برای از بین بردن اشتباه در پشت کتاب مثنوی چاپ آقا رحیم حقانی که بنام مثنوی نور بخش چاپ شده است قطب سلسله نعمت‌اللهی بخط خود شرحی نوشت و امضاء نمود که تمام آن صفحه پشت جلد مثنوی نور بخش با نام ذوالریاستین در آخر کتاب مثنوی سیاف جلد دوم و سوم گراور و چاپ گردید !!

۷ - ناشر مثنوی شمشیر گر ورقه استشهادیه‌ای تهیه نمود و بازم ذوالریاستین شرحی در تأیید موضوع نوشتند که در دفتر دوم و سوم «مثنوی سیاف = شمشیر گر» گراور شد.

۸ - در صدر تصویر قلمی شمشیر گر ذوالریاستین شرحی نوشتند که آن نوشته را بازم گراور نمودند و در دفتر دوم و سوم مثنوی سیاف چاپ شد.

۹ - شرحی که در کتابهای آثار عجم و طرائق الحقایق و بستان الفصاحه در شناسائی شمشیر گر نوشته شده است ذوالریاستین در مقدمه نخستین جلد کتاب مثنوی سیاف نقل نمود.

۱۰ - روزی از روزها در خانقاه ذوالریاستین در طهران گفتند که آقامیرزا رحیم حقانی ناشر کتاب مثنوی «بنام نور بخش دهکردی» بعزم زیارت مکه به طهران آمد و بخانقاه رفت ذوالریاستین باو گفت چرا نتیجه زحمت يك عمر شمشیر گر - سیاف را پایمال کردی و کتاب مثنوی را بنام میرسید محمد دهکردی نور بخش چاپ نمودی !! درویش حقانی در پاسخ گفت بنا بوضعیت نور بخش اقدام بچاپ گردید و چون از مصنف حقیقی در پشت کتاب مثنوی چیزی دیده نشد گمان ما این شد که از مصنفات نور بخش دهکردی است !!

چون ناشر کتاب براه کعبه میرفت فرصت نداشت که در مطبوعات بنویسد

مثنوی که بنام نور بخش دهکردی چاپ کرده ازسید محمد دهکردی نیست و از شمشیر گر سیاف است ، دریغا عمر آقا میرزا رحیم حقانی کوتاه بود و در راه مکه بدرود حیات گفت و جهان را ترك كرد .

۱۱ - ذوالریاستین در پشت کتاب مثنوی کشف الحقیقه که بنام میرسید محمد نوربخش چاپ گردید نوشت :

« این کتاب مثنوی کنزالاسرار ارا نشاء آت رضوان جایگاه قطب المعارفین و السالکین حاج علی اصغر حسین علیشاه الشهبیر به شمشیر گر میباشد و نه دفتر است و این چنددفتری که بنام مرحوم نور بخش طبع نموده اند باشتباه است و فقیر نه دفتر را بخط مرحوم آقامیرزا شکرالله که از ارادت کیشان آن مرحوم بوده و درك زمان ایشان را نموده بود دارم یا اللعجب که وزارت فرهنگ سؤال نموده که چنین جنایتی برای چه شده است نعوذ بالله من سهو الظن « حرره العبد ذوالریاستین نعمه اللهی شیرازی . »

۱۲ - شمشیر گر بارها در مثنوی خود شخصیت خود و استاد بزرگوارش سید زین الدین اصفهانی «حسین علیشاه» را یاد آور شد با آنکه خود ترك شیرازی بود در صورتیکه نوربخش دهکردی اصفهانی بشمار میرفت و ترك هم نبود « به جلد سوم مثنوی شمشیر گر صفحه ۱۱۲ سطر ۲۰ تا سطر ۲۵ و صفحه ۱۱۳ تا سطر ۹ نگاه کنید . »

شاهد این معنی این آیات مثنوی است :

چون بخواییدم بدم تر کی غریب	چون شدم بیداز این گفت عجیب
من نیم جز ترك مسکینی فقیر	حمدلله شد الهـم دستگیر
دستگیرم گشت هویی دست مزد	وا خرید این ترك را از دست دزد
نیست در کف ترك را جز بلمنم	بلد کم هست از خدای ذوالمنم

آنچه یارم داده او داند که چیست
نیست را جز نیستی با لذات نیست
لیک صدق فطرت ترکی مرا
چونکه ترکان صادقند و راستگو
تا آنجا که گوید:

اوست کان شیرازه شیراز از او است
اصفهانی دان نژاد این شاه را
ز اصفهان شاه دل سری نهان
سوی اصل آن نقطه شیراز عشق
عقل گل اصفهانش چون بدل
سر عقل و عشق کان یک نور بود
دار علم و شهر و بحر راز اوست
ترك شیراز است و نقدالله را
شد پدید از نقطه شیراز جان
رفت و باز آمد شد او شهباز عشق
پروریدش گشت سلطانی بدل
خوش بهم پیوستش از نو تار و پود

۱۳ - در دفتر پنجم از کتاب مثنوی شمشیرگر این ابیات ثبت است .

سر آتشگاه را از فارس نقل
تا آنجا که گوید :

اصفهان عقل بنا شیراز عشق
سر شیراز و صفاهان پرده ایست
نار شیراز صفاهان نور گشت
شد چو عفرتی مسلمان جور گشت
دل راندش از دم راز عشق
رشته اسرار هر ملکی کسبست

این ابیات گویا در مثنوی چاپ میرزا رحیم حقانی ثبت نشده است .

۱۴ - شش دفتر مثنوی سیاف - شمشیرگر بکوشش امام ابوطالب پدرام
«نتیجه استاد شمشیرگر» در چهار جلد بقطع وزیری در سال هزار و سیصد و سی و
سه هجری شمسی در طهران چاپ شد.

۱۵ - دو جلد کتاب مثنوی شمس الحقیقه بنام سید محمد نور بخش دهکروی
بقطع وزیری بزرگ چاپ سنگی شد .

پایان دفتر اول نور بخش که در ۱۳۴۳ هجری قمری برابر ۱۳۰۳ شمسی
چاپ گردیده این ابیات را در بردارد که در مثنوی شمشیر کر ثبت نشده است .

نور شد بر رحمة للعالمین	نور بخش آسمانست و زمین
نور بخش دوره آخر زمان	شد حقیقت نور احمد در جهان
دفتر دویم گشایم من زبان	پرده بر دارم من از راز نهان
تا به بینی در هدایت مهتدی	نور بخش کل جمال ایزدی

« ناتمام »

حکمت

خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بیوقت هیبت ببرد
نه چندان نرمی کن که بر تو دلیر شوند و نه چندان درشتی که از تو
سیر گردند .

چو نرمی کنی خصم گردد دلیر . و گر خشم گیری شوند از تو سیر
درشتی و نرمی بهم در بهست چو رگزن که جراح و مرهم نهست

(سعدی)